

واکاوی اسم‌های مختوم به e- در زبان آلمانی: براساس راهبردهای تعویض

پرویز البرزی*

دانشیار زبانشناسی، گروه زبان آلمانی، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۲۶، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۹/۰۷، تاریخ چاپ: اردیبهشت ۱۳۹۷)

چکیده

هدف از مقاله حاضر یافتن الگوهای مختلف معنای واژه‌سازی در واژه‌های مختوم به e- در زبان آلمانی می‌باشد. بدین جهت درک معانی مشتقات این پسوند با توجه به تنوع آن‌ها برای زبان‌آموز از اهمیت خاصی برخوردار است. این پسوند ریشه در T- زبان آلمانی باستان دارد و یکی از زیباترین پسوندهای بومی زبان آلمانی معاصر به شمار می‌رود. داده‌ها و یافته‌های اولیه مقاله عمدتاً از بررسی دو منبع شاخص در زمینه واژه‌سازی زبان آلمانی اخذ شده و آنچه که نگارنده اقتباس نموده است، همین داده‌ها و یافته‌های اولیه است. یافته‌های ثانویه ماحصل تحقیق نگارنده است. پسوند e- در بافت مقولات فعلی، صفتی، اسمی و قیدی توزیع می‌شود. همچنین مشتقات مختوم به پسوند e- از بیشترین فراوانی نسبت به الگوهای معنای واژه‌سازی برخوردارند: اسم‌های مختوم به این پسوند از میان الگوهای گوناگون، کمابیش از هشت راهبرد تعویض شامل اسم مصدر، حاصل مصدر، اسم مکان، اسم ابزار، اسم فاعل، اسم کیفیت، اسم تبدیل و اسم شخص بهره می‌گیرند. البته گاهی اسم مختوم به پسوند e- حاوی یک یا چند کاربرد ثانویه است.

واژه‌های کلیدی: اسم مصدر، اسم فاعل، اسم مکان، اسم ابزار، اسم کیفیت.

۱- مقدمه

واژه‌سازی یکی از مهم‌ترین روش‌های گسترش واژگان در زبان آلمانی محسوب می‌شود. در این راستا، علاوه بر روش ترکیب، اشتقاق واژه نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. در این زبان، یکی از الگوهای اشتقاق به کمک پسوند *e*- شکل می‌گیرد که ریشه در زبان آلمانی باستان دارد. همه واژه‌های مشتقی که به پسوند *e*- ختم می‌شوند، دارای حرف تعریف مؤنث یا مذکرند. پسوند *e*- در حال حاضر در زمره زایاترین پسوندهای زبان آلمانی معاصر به‌شمار می‌رود.

در زبان آلمانی، کاربردهای متنوع پسوند *e*- به علل گوناگون، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ساده‌ترین سؤالاتی که در ذهن زبان‌آموز خطور می‌کند، این است که چرا پسوند *e*- در پایان واژه *Suche* با شکل *e*- در پایان واژه *Käse* شباهت دارد؟ - علی‌رغم این که این دو واژه، دارای ساختار هجایی یکسان و نیز دارای الگوهای یکسان تکیه‌گذاری هستند، مصوت پایانی آن‌ها کاملاً باهم متفاوت‌اند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های نگارنده برای تحقیق حاضر، همین تشابه صوری بین پسوند *e*- و شکل غیرپسوندی *e*- است؛ زیرا مشابهت بین پسوند و شکل مشابه غیرپسوندی به‌ندرت در زبان‌ها یافت می‌شود.

یکی از اهداف نویسنده از نگارش مقاله حاضر، واکاوی این نکته است که تکواژ یا پسوند *e*- در کدامین بافت‌ها نمود می‌یابند. علاوه بر توزیع *e*-، سعی اصلی نویسنده بر این است تا اسم‌های مختوم به این پسوند را از منظر الگوهای معنای واژه‌سازی، مورد کنکاش قرار دهد که این الگوها در واقع چارچوب نظری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

در مقاله حاضر، کلیه جوانب و حواشی پسوند *e*- و اشتقاق‌های ناشی از آن که از منابع ثانویه اقتباس شده‌اند، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. خواننده در هر مورد، با شواهد تازه‌ای آشنا می‌شود و کماکان در هر مرحله از تحقیق، با تحلیل زبان‌شناسانه‌ای مواجه می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، موارد زیر مورد واکاوی قرار می‌گیرند:

- ریشه‌شناسی پسوند *e*-؛
- توصیف مبنای اشتقاق در مشتقات مختوم به *e*-؛
- الگوهای معنای واژه‌سازی در مشتقات مختوم به *e*-؛
- هم‌وزنی پسوند *e*- با سایر پسوندها.

۲- بحث و بررسی

در خصوص موضوع این تحقیق، نگارنده داده‌ها و یافته‌های اولیه خود را در آثار واژه‌سازی زبان آلمانی اقتباس کرده است؛ به نحوی که در بخش‌هایی از این آثار، کمابیش و به صورت پراکنده، گریزی به موضوع پسوند e- شده است. در این آثار، کمابیش شواهدی ذکر شده، اما هرگونه تحلیل و توصیف این پسوند نادیده گرفته شده است. در دو اثر واژه‌سازی زبان آلمانی فلایشر/بارتس (۲۰۱۲) و لوده (۲۰۰۶) در مبحث پسوندها راجع به پسوند e- نیز توضیحاتی داده شده است. نگارنده از این مباحث بهره برده است. این دو اثر، حاوی تحلیل نامنظم، اما شواهد کافی است. در ضمن، در مقاله حاضر، رویکرد هم‌زمانی واژه‌های مختوم به این پسوند مورد توجه است. نگارنده به منبع تحقیقاتی دیگری که مختص به واکاوی پسوند e- باشد، دست نیافته است. فی الواقع در کلیه منابع آلمانی‌زبان، هیچ‌گونه تجزیه و تحلیل منسجمی از این پسوند درج و ثبت نشده است.

معنای واژه‌سازی (Wortbildungsbedeutung) نوعی رابطه معنایی است که بین سازه‌های بلافصل واژه مرکب (۱-الف و ۱-ب) یا بین مبنا و واژه مشتق (۱-ج و ۱-د) حاکم است.

معنای واژگانی	معنای واژه‌سازی	فرآیند واژه‌سازی	برآیند واژه‌سازی
(۱-الف) ظرف نوشیدنی	هدف غایی	ترکیب	Trinkgefäß
(۱-ب) ظرف شیشه‌ای	ماده اولیه	ترکیب	Glasgefäß
(۱-ج) سوارکار	اسم فاعل	اشتقاق تصریحی	Reiter
(۱-د) سوار شدن؛ سوارکاری	اسم مصدر؛ حاصل مصدر	تبدیل	Ritt

به‌طور کلی، الگوهای اشتقاق واژه با توجه به قیاس معنایی بین درون‌داد و برون‌داد، به دو معیار تعدیل و تعویض دسته‌بندی می‌شود. معیار این دسته‌بندی، نوعی نامتغیر معنایی و ساختاری، یعنی راهبرد معنایی و کارکردی است که مبنای هر اشتقاقی را در فرآیند واژه‌سازی در محک آزمایش قرار می‌دهد (کزریو ۱۹۷۰ و فلایشر/بارتس ۲۰۱۲). بنابراین چنانچه فرآیند اشتقاق را از منظر معنایی واکاوی کنیم، آن‌را به دو زیرگروه دسته‌بندی می‌کنیم. به تعبیری دیگر، معنای واژه‌سازی هر یک از الگوها، بر پایه معیارهای تعدیل و تعویض دسته‌بندی می‌شود (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۹۶-۹۸ و ۱۱۹-۱۲۷):

۱- در فرآیند تعدیل (Modifikation)، همراه با افزایش وند معنای واژه مشتق تا حدودی تغییر می‌کند؛ یعنی مؤلفه یا مشخصه‌ای به واژه مشتق افزوده می‌شود، بی‌آنکه نوع و نیز پوسته

مفهومی واژه مشتق تغییر کند، مانند افزایش پسوند *-in* که اسم مؤنث را می‌سازد. راهبردهای تعدیل عبارت‌اند از: اسم مصغّر (مانند *Häuschen*)، اسم مکبّر (مانند *Unsumme*)، اسم مؤنث (مانند *Köchin*)، اسم نفی (مانند *Unglück*) و اسم جمع (مانند *Gebirge*)؛ البته کاربرد ثانویه اسم جمع در واژه‌ای همانند *Öffentlichkeit* از فرایند تعویض پیروی می‌کند. در میان راهبردهای تعدیل، پسوند تصغیر و تأنیث زیاترین پسوندها هستند؛ زیرا تقریباً بسیاری از اسم‌ها کماکان آن‌ها را می‌پذیرند. هرچه محدودیت‌های واژه‌سازی کمتر باشد، گرایش به واژگانی‌شدگی واژه‌ها نیز کمتر است؛ برای مثال در ساخت اسم مصغّر و مؤنث. از این جهت اسم‌های مصغّر که مفهوم خردی و کوچکی کسی، چیزی و یا جایی را می‌رسانند، برای ثبت در واژگان زبان چندان رغبت و جذابیت نشان نمی‌دهند؛ زیرا در بین درون‌داد و برون‌داد اشتقاق غیر از دگرگونی کوچک‌سازی هیچ‌گونه تفاوت دیگری متصور نیست. البته بسیاری از اسم‌های مصغّر مانند *Mädchen* در واژگان زبان تثبیت شده‌اند.

۲- در فرایند تعویض (*Transposition*)، همراه با افزایش وند پوسته مفهومی واژه مشتق نسبت به چارچوب مبنای اشتقاق کاملاً دگرگون می‌شود. در این فرایند، باید معنا به نحوی دگرگون شود که واژه مینا یا مشتق ناظر بر مفهوم اعم و اخص (شمول معنایی) نباشد. در فرایند تعویض، ممکن است نوع واژه تغییر کند مانند *Bergung* (\rightarrow *bergen*)، یا تغییر نکند مانند *Eisenbahner* (\rightarrow *Eisenbahn*). راهبردهای تعویض عبارت‌اند از: اسم مصدر (مانند *Suche*)، حاصل مصدر (مانند *Folge*)، اسم فاعل (مانند *Schütze*)، اسم ابزار (مانند *Reibe*)، اسم مکان (مانند *Grube*)، اسم کیفیت (مانند *Länge*)، اسم تبدیل یا اسم صفت (مانند *Alte*)، اسم شخص (مانند *Zoologe*) یا اسم منسوب (مانند *Schwede*).

راهبردهای تعویض در واژه‌سازی و الگوهای مرتبط، با هر یک از آن‌ها که مبانی نظری مقاله حاضر را پوشش می‌دهند، عبارت‌اند از: ۱- اسم مصدر (مجردات فعل) معنا و مفهوم مصدر را تداعی می‌کند؛ درحالی‌که مصدر تنها معنای فعل را می‌رساند. منظور از اسم مصدر نام‌گذاری یک رویداد یا کنش است. مبنای اشتقاق اسم مصدر، فعل است. ۲- حاصل مصدر (کنش‌پذیر) ناظر بر مصادیق اشخاص، اشیاء و مجردات است که برآیند یک رویداد یا متأثر از یک رویداد است. مبنای اشتقاق حاصل مصدر، فعل است. ۳- مصادیق اسم فاعل، انسان‌هایی هستند که کنشی را انجام می‌دهند. مبنای اشتقاق اسم فاعل، فعل است. ۴- اسم ابزار، ناظر بر اشیایی است که به کمک آن‌ها کنش انجام می‌پذیرد. مبنای اشتقاق اسم ابزار، فعل است. ۵- اسم مکان ناظر بر محل‌ها و اماکنی است که در آن‌جاها، کنش به‌وقوع می‌پیوندد. مبنای اشتقاق

اسم مکان، فعل است. ۶- اسم کیفیت (مجردات صفت) از مبنای صفت‌ها و از رهگذر پسوند اشتقاقی (یا تبدیل) ساخته می‌شود. این اسم‌ها ویژگی‌ها را نام‌گذاری می‌کنند. مبنای اشتقاق اسم کیفیت، صفت است. ۷- مصادیق اسم تبدیل یا اسم صفت (شیء یا شخص) از رهگذر ویژگی‌هایی شناسایی می‌شوند که در مبنای اشتقاق برشمرده شده‌اند. مبنای اشتقاق صفت و برآیند آن، اسم تبدیل یا اسم صفت است. ۸- مشتقات اسم شخص، ناظر بر اشخاصی است که با پدیده‌هایی مربوطه و تعامل دارند یا آن‌ها را تولید می‌کنند. علاوه بر آن، مشتقات اسم شخص، ناظر بر اشخاصی است که صاحب چیزی هستند یا شیئی در اختیار دارند و نیز اشخاصی که به گروه اجتماعی خاصی تعلق دارند. مبنای اشتقاق اسم عام یا خاص و برآیند آن اسم شخص یا اسم منسوب است.

پسوند e- ریشه در پسوند t- زبان آلمانی باستان دارد (کلوگه، ۱۹۹۹: ۲۰۳). این پسوند یکی از مهم‌ترین و زیاترین پسوندهای بومی زبان آلمانی محسوب می‌شود.^۱ همچنین مشتقات مختوم به این پسوند، از بیشترین فراوانی، نسبت به الگوهای معنای واژه‌سازی برخوردارند و آن شامل هشت الگوی فوق‌الذکر است. اشتقاق با پسوند e- از جمله فاقد الگوی معنای واژه‌سازی اسم جمع است. در این زبان، هیچ اسم مختوم به پسوند دیگری، چه بومی و چه بیگانه، برای نامگذاری حداکثر بیش از چهار الگوی معنای واژه‌سازی به‌کار نمی‌رود. مشتقات مختوم به e- از ستاک انواع واژه‌های فعل، صفت، اسم و گاهی نیز قید یا ادات مشتق می‌شود:

۲-۱- فعل مبنای اشتقاق است

تکواژ e- یکی از پربسامدترین پسوندهای فعلی به‌شمار می‌رود. اسم‌هایی که از ستاک فعل مشتق می‌شوند و درعین حال، معنای واژه‌سازی اسم فاعل را نامگذاری می‌کنند، دارای حرف تعریف مذکرند. در غیر این صورت، اسم‌های مشتق مختوم به e- حرف تعریف مؤنث

۱. اصولاً وندها (Affixe) وابسته‌اند، هویت مستقلی ندارند و هرگز به‌صورت آزاد به‌کار نمی‌روند. تقسیم‌بندی تکواژهای وابسته، برحسب جایگاه آن‌ها، نسبت به ستاک به کمک وندها صورت می‌گیرد. این عناصر زبانی، قاعداً تک‌هجایی‌اند و از یک مصوت و یک یا چند صامت تشکیل می‌شوند و برای تجلی خود، نیاز به مبنای اشتقاقی دارند که از تکواژهای آزاد تشکیل شود. مهم‌ترین وندهای واژه‌سازی عبارت‌اند از: ۱- پیشوند (Präfix) قبل از ستاک قرار می‌گیرد. پیشوندها معمولاً معنای واژه را تغییر می‌دهند؛ اما نوع واژه را تغییر نمی‌دهند؛ مانند be- در واژه besuchen. ۲- پسوند (Suffix) پس از ستاک قرار می‌گیرد. پسوندها عمدتاً نوع واژه را تغییر می‌دهند؛ مانند heit در واژه Neuheit. ۳- هرگاه تکواژی از دو جزء تشکیل شود، به‌نحوی که جزئی ابتدا و جزء دیگر انتهای تکواژ پایه قرار گیرد، حاشیه‌وند (Zirkumfix) نامیده می‌شود مانند Ge-...-de در واژه Gemälde.

می‌پذیرند. در مجموع، اسم‌های مشتق مختوم به *e* - بیشتر اسم مصدرها یا اسم اشیاء را نامگذاری می‌کنند.

۱-۲-۱- ستاک حال فعل ساده، مشتق و مرکب مبنای اشتقاق است

۱- ستاک حال فعل ساده، مبنای اشتقاق است

این مشتقات در وهله نخست برای نام‌گذاری اسم مصدر (۲-الف)، حاصل مصدر یا به تعبیری دیگر اسم شیء (۲-ب)، اسم ابزار (۲-ج) و نیز اسم مکان (۲-د) به‌کار می‌رود. تقریباً همه اسم‌های ابزار و نیز بسیاری از اسم‌های مکان مشتق از فعل، از ستاک حال فعل ساده ساخته می‌شوند. درحالی‌که فلاشر و بارتس (۲۰۱۲: ۱۹۵) اسم مشتق *Binde* را در زمره اسم ابزار دسته‌بندی می‌کند، لوده (۲۰۰۶: ۱۱۶) آن را اسم شیء قلمداد می‌کند. به این مفهوم، آن دسته از اسم‌های ابزار، که از فعل مشتق شده باشد، اسم شیء نیز محسوب می‌شوند. به تعبیری دیگر، در چنین مواردی، اسم شیء مفهومی فراگیر است که از جمله اسم ابزار و سایر اسم‌های اشیاء را در برمی‌گیرد؛ همچنین فلاشر و بارتس (۲۰۱۲: ۱۹۵) اسم مشتق *Liege* را در زمره اسم‌های ابزار دسته‌بندی می‌کند. فلاشر و بارتس (۲۰۱۲: ۱۲۳) و نیز لوده (۲۰۰۶: ۱۰۹-۱۱۲) گرچه به مفهوم حاصل مصدر می‌پردازند، اما در مبحث پسوند *e* - (فلاشر و بارتس ۲۰۱۲: ۱۹۵-۱۹۸ و لوده ۲۰۰۶: ۹۰-۹۲) هیچ اشاره‌ای به آن نکرده‌اند.

ستاک حال:

اسم مشتق:

<i>pflegen</i>	→ مراقبت کردن	<i>Pflege</i>	مراقبت	(۲-الف)
<i>schleifen</i>	→ کشان‌کشان بردن	<i>Schleife</i>	پاپیون؛ پیچ (جاده)	(۲-ب)
<i>reiben</i>	→ رنده کردن	<i>Reibe</i>	رنده	(۲-ج)
<i>schmieden</i>	→ چکش‌کاری کردن	<i>Schmiede</i>	دکان آهنگری	(۲-د)

واژه مشتقی مانند *Spende* علاوه بر حاصل مصدر که کاربرد اولیه این واژه است، به‌مثابه اسم مصدر نیز تعبیر می‌شود که کاربرد ثانویه آن محسوب می‌شود.

۲- ستاک حال فعل مشتق، مبنای اشتقاق است

این مشتقات در وهله نخست برای نام‌گذاری اسم مصدر (۳-الف)، حاصل مصدر (۳-ب) و اسم مکان (۳-ج) به‌کار می‌روند. تقریباً بسیاری از اسم مصدرهای مختوم به پسوند *e* - از ستاک حال فعل مشتق ساخته می‌شوند.

اسم مشتق:	ستاک حال:
(۳-الف) تقاضا	Nachfrage → پرس‌وجو کردن
(۳-ب) آگهی؛ گزارش	Anzeige → اعلام کردن
(۳-ج) محل امانت دادن	Ausleihe → امانت دادن

۳- ستاک حال فعل مرکب، مبنای اشتقاق است
این مشتقات در وهله نخست برای نام‌گذاری حاصل مصدر (۴-الف) به کار می‌روند.

اسم مشتق:	ستاک حال:
(۴-الف) پیش‌گویی	Vorhersage → پیش‌بینی کردن

۴- فعل‌های مختوم به *-ier(en)* مبنای اشتقاق است
کاربرد مشتقات مختوم به *-e* از مبنای فعلی مختوم به *-ier(en)* بسیار اندک است. با این حال شواهدی از این واژه‌ها در دست است.

اسم مشتق:	ستاک حال:
(۵-الف) پرو	Anprobe → امتحان کردن
(۵-ب) تفاوت جزئی	Nuance → تفاوت مختصر داشتن

۵- اشتقاق واژه‌های محاوره و عامیانه از ستاک حال فعل
برپایه تحقیقات لوده (۲۰۰۶: ۹۱) اخیراً واژه‌سازی مختوم به *-e* در زبان محاوره و زبان عامیانه کودکان راه یافته است (۶-الف و ۶-ب). همچنین واژه‌هایی با معنای ضمنی ناپسند در زبان محاوره به کار می‌روند (۶-ج).

اسم مشتق:	ستاک حال:
(۶-الف) پمپ بنزین	Tanke → بنزین زدن، سوخت‌گیری
(۶-ب) نظافت‌چی زن	Putze → تمیز کردن
(۶-ج) اخاذی	Abzocke → سرکیسه کردن

۶- اشتقاق اسم فاعل یا اسم شخص از ستاک حال فعل در زبان آلمانی معاصر، اشتقاق اسم فاعل از مبنای ستاک حال فعل چندان زایا نیست. به‌ندرت مواردی از اسم فاعل مانند (۷-الف) یافت می‌شود؛ زیرا اسم فاعل در بسیاری از موارد، به کمک پسوند *-er* ساخته می‌شود. همچنین ساخت اسم شخص که حرف تعریف مذکر می‌پذیرد (۷-ب)، از مبنای ستاک حال فعل رایج نیست. کلیه مشتقات در (۷) حرف تعریف مذکر و نشانه جمع *-n* می‌پذیرند و نیز از صرف ضعیف *-n* پیروی می‌کنند.

اسم مشتق:	ستاک حال:
(۷-الف) ساقی	Schenke → ریختن نوشیدنی (ein)schenken
(۷-ب) بازمانده/اولاد	Nachkomme → کسی را تعقیب کردن nachkommen

۷- هم‌وزنی پسوند *-e* با پسوند *-ung* بر مبنای ستاک حال گاهی مشتقات اسمی مختوم به *-e* با اسم‌های مشتق مختوم به *-ung* که مبنای اشتقاق هر دو ستاک حال فعل است، هم‌معنا هستند و هر دو حاصل مصدر را نام‌گذاری می‌کنند (۸-الف). همچنین مشتقات اسمی مختوم به *-e* که رابطه معنایی بین آن‌ها و مبنای اشتقاق سست و ضعیف شده باشد، با اسم‌های مشتق مختوم به *-ung* در (۸-ب) هم‌معنا هستند (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۵).

اسم مشتق:	اسم مشتق:
(۸-الف) انحنا، خمیدگی	Biegung = خمیدگی Biege
(۸-ب) (مدار) رادیو و تلویزیون	Schaltung = رادیو و تلویزیون Schalte

۲-۱-۲- ستاک گذشته فعل‌های ساده و مشتقی که بی‌قاعده و دستخوش تغییر مصوتی (Ablaut) شده‌اند، مبنای اشتقاق است

۱- ستاک گذشته فعل ساده، مبنای اشتقاق است

مشتقات (۹) به باور فلاشر و بارتس (۲۰۱۲: ۱۹۶) برای نام‌گذاری اسم مکان و اسم آلت به‌کار می‌روند. البته این دو نویسنده مشخص نکرده‌اند که دقیقاً کدامین اسم مشتق در زمره اسم مکان یا اسم آلت دسته‌بندی می‌شود. از دیدگاه نگارنده اسم مشتق در (۹-ب) اسم مکان است و بعید به نظر می‌رسد که Stiege در (۹-الف) اسم ابزار باشد.

اسم مشتق:	ستاک گذشته:
(۹-الف) پلکان چوبی	Stiege → افزایش دادن
(۹-ب) گودال	Grube → کندن
	stieg(en)
	grub(en)

۲- ستاک گذشته فعل مشتق، مبنای اشتقاق است
این مشتقات برای نام‌گذاری اسم مصدر (۱۰-الف) به کار می‌روند. کاربرد ثانویه این مشتقات، نام‌گذاری حاصل مصدر است (۱۰-ب).

اسم مشتق:	ستاک گذشته:
(۱۰-الف) مناقصه، واگذاری	Vergabe → بخشیدن
(۱۰-ب) هزینه، پرداختی	Ausgabe → خرج کردن
	vergab(en)
	ausgab(en)

۳- ستاک گذشته فعل مرکب، مبنای اشتقاق است
این مشتقات در وهله نخست برای نام‌گذاری اسم مصدر (۱۱-الف) به کار می‌روند.

اسم مشتق:	ستاک گذشته:
(۱۱-الف) حدس/گمانه	Vorwegnahme → پیشاپیش گفتن
	vorwegnahm(en)

۴- اشتقاق اسم فاعل از ستاک گذشته فعل
همچنین اشتقاق اسم فاعل، از مبنای ستاک گذشته فعل در زبان آلمانی معاصر، چندان زیا نیست. در (۱۲-ب) با فرایند تاریخی مشابه اشتقاق *Hitze* از صفت *heiß* در (۱۶-الف تا ۱۶-ج) مواجه هستیم. مبنای اشتقاق شکل فعلی *schießen* (آلمانی میانه: *schiezen*) یا *schoss* و اسم مشتق *Schütze* است که برپایه فرایندی تاریخی شکل گرفته است. نگارنده نگاهی همزمانی به این فرایند دارد: کشش مصوت در فعل *schießen* بلند، اما در اسم *Schütze* کوتاه ادا می‌شود. برای جبران کوتاهی این مصوت، صامت سایشی /s/ در مبنای اشتقاق که کشش کمتری دارد، به انسایشی /ts/ در واژه مشتق تبدیل می‌شود تا موازنه اولیه ایجاد شود؛ بنابراین در فرایند (۱۲-ب)، علاوه بر افزایش پسوند *e*- همزمان دو تغییر دیگر نیز ایجاد شده است (۱۲-ج و ۱۲-د). اسم فاعل‌ها در (۱۲-الف و ۱۲-ب) حرف تعریف مذکر و نشانه جمع *n*- می‌پذیرند و نیز از صرف ضعیف *n*- پیروی می‌کنند.

اسم مشتق:	ستاک فعل:
(۱۲-الف) نامه‌رسان	Bote → ارائه کردن
(۱۲-ب) تیرانداز	Schütze → تیراندازی کردن
(۱۲-ج)	/i:/ (<ie>) → /o/ (<o>)
(۱۲-د)	/s/ (<ß>) → /s/ (<ss>)

۵- هم‌وزنی پسوند *e*- با پسوند *-ung* بر مبنای ستاک فعل اسم‌های مشتق مختوم به *e*- که معنای مدلول آن‌ها دگرگون شده باشد، با مشتقات مختوم به *-ung* هم‌معنایند، مانند اولین معانی دو اسم مشتق در (۱۳-الف)، البته در خصوص Eingabe معنای ثانویه مورد نظر است. در این خصوص، اسم‌های مشتق مختوم به *e*- بیشتر گویای حاصل مصدر یا اسم شیء است، درحالی‌که اسم‌های مشتق مختوم به *-ung* بیشتر گویای اسم مصدر است. (لوده، ۲۰۰۶: ۱۱۰)

اسم مشتق:	اسم مشتق:
(۱۳-الف) القا؛ الهام	Eingebung = درونداد؛ داده؛ تقاضانامه
Eingabe	اسم مشتق:

۳-۱-۲- گروه‌واژه‌های فعلی یا عبارات فعلی مبنای اشتقاق هستند این مشتقات عمدتاً برای نامگذاری اسم مصدر (۱۴-الف) به‌کار می‌روند و در مواردی، دارای کاربرد ثانویه اسم شیء (۱۴-ب) است. گاهی این نوع از مشتقات حاوی اسم مکان نیز است (۱۴-ج).

عبارت فعلی:	اسم مشتق:
(۱۴-الف) ذوب‌شدگی برف	Schneeschmelze → آب شدن برف
(۱۴-ب) مترسک	Vogelscheuche → ترساندن پرنده
(۱۴-ج) محل شست‌وشوی	Pferdeschwemme → شستن/بردن اسب

۲-۲- صفت مبنای اشتقاق است

اسم‌های مشتق مختوم به *e*- که مبنای اشتقاق آن‌ها صفت است، برای نامگذاری اسم کیفیت یا اسم شیء به‌کار می‌روند. این نوع از مشتقات به زیرگروه‌ها و حواشی ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

۲-۲-۱- کاربرد اولیه در مشتقات مختوم به e- که مبنای اشتقاق آن‌ها صفت است
اسم‌های مشتق مختوم به e- که مبنای اشتقاق آن‌ها صفت است، معمولاً با تجانس آوایی (Umlaut) همراه‌اند. کلیه اسم‌های مشتق در (۱۵) اسم کیفیت را نامگذاری می‌کنند.

صفت:	اسم مشتق:
bläss	Blässe → رنگ‌پریده
frisch	Frische → تازه
lang	Länge → بلند

از منظر تاریخی نیز اشتقاق اسم مجرد Hitze از صفت heiß (آلمانی میانه: heiz)، همانند فرایند (۱۲-ب تا ۱۲-د)، جذابیت خاصی دارد. از منظر همزمانی، کشش مصوت مرکب در heiß بلند، اما مصوت در Hitze کوتاه ادا می‌شود. برای جبران کوتاهی این مصوت، صامت سایشی /s/ در مبنای اشتقاق به انسایشی /ts/ در واژه مشتق تبدیل می‌شود تا توازن اولیه ایجاد شود (کشش /ts/ بیشتر از /s/ است). بنابراین در فرایند (۱۶-الف)، علاوه بر افزایش پسوند e- همزمان دو تغییر دیگر نیز ایجاد شده است (۱۶-ب و ۱۶-ج).

صفت:	اسم مشتق:
heiß	Hitze → گرم
/ai/ (<ei>)	→ /i/ (<i>)
/s/ (<ß>)	→ /ts/ (<tz>)

به ندرت ساخت اسم مشتق از صفت در پیوند با نوعی حرف اضافه به صورت عبارت یا گروه حرف اضافه‌ای یافت می‌شود (۱۷-الف).

صفت:	اسم مشتق:
kurz	in Kürze → کوتاه
	به زودی، عن قریب

۲-۲-۲- کاربرد ثانویه در مشتقات مختوم به e- که مبنای اشتقاق آن‌ها صفت است
مشتقات مختوم به e- که مبنای اشتقاق آن‌ها صفت است، در کاربرد ثانویه شیء یا پدیده‌ای را نامگذاری می‌کنند و این شیء یا پدیده، دارای ویژگی‌هایی است که مقوله صفت

گویای آن است (۱۸). اسم ذات Sänfte به معنای «کجاوه» در (۱۸-ب) به صورت باواسطه از صفت sanft مشتق شده است: واژه Sänfte که در قرن شانزدهم از اسم مجرد Sanftheit برای واژه نوظهور «کجاوه» وضع شده، هرگز به معنای اسم مجرد Sanftheit (لطافت و ملایمت) به کار نمی‌رود.

اسم مشتق:		صفت:
Höhle (۱۸-الف) غار، حفره	→ توخالی	hohl
Sänfte (۱۸-ب) کجاوه	→ نرم، لطیف	sanft
Säure (۱۸-ج) اسید	→ ترش	sauer

در کاربرد زبان فنی، واژه‌های مشتقی رایج‌اند که برای واژگان عمومی منسوخ یا نامتعارف‌اند؛ مانند اسم مشتق Feste در (۱۹-الف) که در کنار واژه متداول Festigkeit در (۱۹-ب) به کار می‌رود.

اسم مشتق:		صفت:
Feste (۱۹-الف) قلعه، استحکام	→ محکم	fest
Festigkeit (۱۹-ب) استحکام، ثبات	→ محکم	fest

۳-۲-۲- اشتقاق از رهگذر تبدیل

علاوه بر الگوهای مذکور، دو الگوی تبدیل با واژه‌سازی بدون تجانس آوایی یافت می‌شود:
 ۱- الگوی اول فقط حرف تعریف خنثی می‌پذیرد؛ مانند اسم مشتق (۲۰-الف) که اسم تبدیل خالص را نام‌گذاری می‌کنند. ۲- الگوی دوم با هر سه نوع جنس دستوری مذکر، مؤنث و خنثی به کار می‌رود؛ مانند اسم مشتق (۲۰-ب) که از شکل‌های تصریف صفت مشتق شده‌اند و اسم تبدیل ناخالص را نام‌گذاری می‌کنند. برعکس در اشتقاق تصریحی، اسم مشتق Tiefe در (۲۰-ج) فقط حرف تعریف مؤنث می‌پذیرد و اسم کیفیت را نام‌گذاری می‌کند.

اسم مشتق:		صفت:
Tief (۲۰-الف) منطقه کم‌فشار	→ عمیق	tief
der/die/das Tiefe (۲۰-ب) پدیده گود	→ عمیق	Tief
Tiefe (۲۰-ج) گودی	→ عمیق	tief

سه نوع واژه‌سازی تبدیل ناخالص، تبدیل خالص و اشتقاق تصریحی که مبنای اشتقاق همه آن‌ها صفت است، در جدول زیر خلاصه می‌شود که حاصل تراوشات ذهنی نگارنده در طول دوران تدریس است:

Die drei morphologischen Gruppen unterscheiden sich folgendermassen:

Wortbildungsbasis:	Wortbildungsprodukt:		
	1	2	3
Adjektiv ↓	nicht-reine Konversion (adjektivische Flexion):	reine Konversion:	Affigierung (explizite Derivation):
<i>gut</i>	<i>der/die/das Gute</i>	<i>das Gut</i>	<i>die Güte</i>
<i>hoch</i>	<i>der/die/das Hohe</i>	<i>das Hoch</i>	<i>die Höhe</i>
<i>tief</i>	<i>der/die/das Tiefe</i>	<i>das Tief</i>	<i>die Tiefe</i>

۲-۲-۴- هم‌وزنی پسوند *e*- با پسوند *-heit* بر مبنای صفت تعداد محدودی از اسم‌های مشتق مختوم به *e*- با اسم‌های مشتق مختوم به *-heit* و گونه‌های دیگر آن *-keit* و *-igkeit* هم‌معنا هستند. البته مشتقات مختوم به *-heit* و گونه‌های دیگر آن، بیشترین نقش را در ساختن اسم کیفیت بر عهده دارند و در این فرایند، صفت‌های ساده تک‌هجایی پربسامدترین واژه‌هایی هستند که مبنای اشتقاق را تشکیل می‌دهند (لوده ۲۰۰۶: ۱۰۰). به‌طور کلی در زبان آلمانی معاصر، عمدتاً اسم مختوم به *-heit* جانشین الگوی واژه‌سازی مختوم به *e*- شده است. گاهی نیز هر دو نوع اشتقاق مختوم به *e*- و *-heit* در کنار هم، اما با معنای متفاوت به‌کار می‌روند (۲۱-ب).

اسم مشتق:

Schwäche

ضعف

~ Schwachheit

(۲۱-الف) ضعف، ناتوانی

Höhe

ارتفاع، بلندی

~ Hoheit

(۲۱-ب) عظمت، حاکمیت

۲-۲-۵- گونه‌های صفت جامد مختوم به /ə/ (<e>) و بدون /ə/ (<e>)

امروزه برخی از صفت‌ها بدون هرگونه تغییر معنایی هم با مصوت پایانی /ə/ (<e>) و هم بدون مصوت پایانی /ə/ (<e>) به‌کار می‌روند (۲۲). درحالی‌که در شواهد (۲۲-الف و ۲۲-ب)

کاربرد صفت مختوم به /ə/ (<e>) متداول‌تر است، در شواهد (۲۲-ج و ۲۲-د) کاربرد بدون /ə/ (<e>) رایج‌تر است.^۱

صفت مختوم به /ə/:		صفت بدون /ə/:	
blöde	~	blöd	(۲۲-الف) ابله، نفهم
nahe	~	nah	(۲۲-ب) نزدیک
dünne	~	dünn	(۲۲-ج) لاغر، نازک
dicke	~	dick	(۲۲-د) چاق

۲-۲-۶- مبنای اشتقاق صفت و واژه مشتق، قید است

پسوندهای قیدساز -e که در زبان آلمانی میانه به صفت‌ها می‌چسبند، امروزه به ندرت و بیشتر در زبان ادبی یا محاوره به کار می‌رود (۲۳-الف).

صفت:		قید مشتق:	
fern	دور →	ferne (von ferne)	(۲۳-الف) از دور

۲-۲-۷- سایر کاربردهای -e

همچنین مصوت پایانی /ə/ (<e>) در تصریف به‌مثابه شناسه جمع مثلاً در (Tage)، شناسه حالت مفعول‌به‌ای مثلاً در (im Falle) و نیز بیناوند مثلاً در (er arbeitet) به کار می‌رود. به هنگام تصریف، مصوت /ə/ (<e>) در آخرین هجای بعضی از صفت‌ها (۲۴-الف) و افعال (۲۴-ب) حذف می‌شود.

مبنای تصریف:		تصریف:	
dunkel	تاریک، تار →	eine dunkle Straße	(۲۴-الف) خیابانی تاریک
sammeln	جمع کردن →	ich sammle	(۲۴-ب) جمع می‌کنم

۱. همچنین شایان ذکر است که از سویی صفت öde (سوت‌وکور؛ بی‌حاصل) علاوه بر اسم Öde (انزوا؛ سرزمین لم‌بزرع) به کار می‌رود. این صفت و اسم هر دو جامدند و هیچ‌کدام از دیگری مشتق نشده است. از سوی دیگر بین صفت feige (ترسو) و اسم Feige (انجیر) هیچ‌گونه رابطه ریشه‌شناختی و معنایی حاکم نیست.

۸-۲-۲- واژه‌سازی از رهگذر پسوند e- در موارد زیر متداول نیست

۱- واژه‌سازی از رهگذر پسوند e- در آن دسته از صفت‌هایی که به واج e- ختم شود مانند (۲۵-الف و ۲۵-ب) متداول نیست.

صفت:	اسم مشتق:		
müde	Müdigkeit	→ خسته	(۲۵-الف) خستگی
feige	Feigheit	→ بزدل	(۲۵-ب) بزدلی

۲- همچنین مشتقات مختوم به e- در بسیاری از صفت‌هایی که اسم مشتق آن‌ها به واسطه heit- (۲۶-الف)، keit- (۲۶-ب) و igkeit- (۲۶-ج) ساخته می‌شوند، رایج نیست. معنای واژه‌سازی مشتقات مختوم به heit- و گونه‌های دیگر آن اسم کیفیت است.

صفت:	اسم مشتق:		
blind	Blindheit	→ کور	(۲۶-الف) کوری
bitter	Bitterkeit	→ تلخ	(۲۶-ب) تلخی
genau	Genauigkeit	→ دقیق	(۲۶-ج) دقت

کاربرد ثانویه این مشتقات اسم مصدر (۲۷-الف) و اسم جمع (۲۷-ب) را نام‌گذاری می‌کند.^۱ اسم مشتق در (۲۷-ب) به مفهوم اسم جمع فاقد مقوله جمع است.

صفت:	اسم مشتق:		
frech	Frechheit	→ گستاخ، پررو	(۲۷-الف) وقاحت، بی‌شرمی
öffentlich	Öffentlichkeit	→ عمومی، علنی	(۲۷-ب) عموم مردم؛ ملاً عام

۳- در ضمن صفت‌هایی که از طرق سایر پسوندها، اسم مجرد می‌سازند، اغلب از پسوند e- مشتق نمی‌شوند (۲۸-الف تا ۲۸-ج). اسم مشتق در (۲۸-الف) حرف تعریف خنثی و در (۲۸-ب و ۲۸-ج) حرف تعریف مؤنث می‌پذیرد. اسم مشتق در (۲۸-الف) شکل جمع صفر () می‌پذیرد و سایر مشتقات فاقد مقوله جمع هستند.

^۱ برای نمونه‌ای دیگر، اسم مصدر در واژه Leitung «مدیریت» است که دارای کاربرد ثانویه اسم جمع «مدیران» نیز هست.

صفت:	اسم مشتق:			
alt	Alter	→	پیر	(۲۸-الف) سن، عمر
arm	Armut	→	فقیر	(۲۸-ب) فقر
jung	Jugend	→	جوان، خردسال	(۲۸-ج) جوانی

۲-۳-۲- اسم، مبنای اشتقاق است

۲-۳-۱- اسامی شاخه‌های علمی، اصناف و مشاغل، مبنای اشتقاق است

مبنای اشتقاق، اسم‌های مجرد^۱ مختوم به *-ie* هستند که سازه دوم آن‌ها را *(o)logie*- تشکیل می‌دهد. سازه *(o)logie*- از هم‌وند *(o)log*- که از زبان یونانی به‌عاریت گرفته شده، ساخته می‌شود. در فرایند این نوع از مشتقات، پسوند غیربومی *-ie* از هم‌وند *(o)log*- در مبنای اشتقاق حذف و پسوند بومی *-e* جانشین آن می‌شود (۲۹-الف و ۲۹-ب). در سایر اسم‌های مشتقی که در مبنای اشتقاق آن‌ها هم‌وندهای *-graf*، *-soph*، *-urg* و *-nom* مشارکت دارند، اصولاً پس از حذف *-ie*، پسوند *-e* به‌کار نمی‌رود (۲۹-ج تا ۲۹-و). مبنای اسمی این نوع از مشتقات، برای نامگذاری شاخه‌های علمی، اصناف و مشاغل به‌کار می‌رود و همه‌واژه‌های مشتق از آن‌ها، برای نامگذاری اسم اشخاص به‌کار می‌روند. کلیه مشتقات در (۲۹) حرف تعریف مذکر می‌پذیرند. این مشتقات نشانه جمع *-n* (۲۹-الف و ۲۹-ب) یا *-en* (۲۹-ج تا ۲۹-و) می‌پذیرند و از الگوی صرف ضعیف *-n* (۲۹-الف و ۲۹-ب) یا *-en* (۲۹-ج تا ۲۹-و) پیروی می‌کنند.

اسم مشتق	اسم مشتق	اسم عام:
Zoologie	Zoologe	→ جانورشناسی (۲۹-الف) جانورشناس
Psychologie	Psychologe	→ روان‌شناسی (۲۹-ب) روان‌شناس
Fotographie	Fotograph	→ عکاسی؛ عکس (۲۹-ج) عکاس
Philosophie	Philosoph	→ فلسفه (۲۹-د) فیلسوف
Chirurgie	Chirurg	→ جراحی (۲۹-ه) جراح
Ökonomie	Ökonom	→ (علم) اقتصاد (۲۹-و) اقتصاددان

۱. اسم مجرد (= معنی) اسمی است که خارج از ذهن وجود ندارد یا هویت و موجودیتش قائم به دیگری باشد؛ مانند «نیکی» و «دانش». اما اسم ذات وجودش قائم به خود است مانند «کتاب» و «دیوار».

بنابراین در فرایند شواهد فوق، پسوند *-ie* که ریشه در زبان غیربومی دارد و به هم‌وندها^۱ می‌چسبد، حذف می‌شود و سپس پسوند دیگری (*-e*) به مبنای اشتقاق می‌چسبد یا اصولاً هیچ پسوندی به مبنای اشتقاق نمی‌چسبد تا در نتیجه واژه جدیدی حاصل شود. (لوده ۲۰۰۶: ۲۰)

۲-۳-۲- اسامی خاص، مبنای اشتقاق است.

پسوند *-e* برای اشتقاق اسم‌های اشخاص ساکنان و اهالی کشورها و مناطق نیز به کار گرفته می‌شود. در این موارد، مبنای اشتقاق اسم خاص و مشتقات آن اسم عام است که در زمره اسم‌های منسوب^۲ دسته‌بندی می‌شود. مبنای اشتقاق نام کشورها یا مناطقی است که پسوندهای مکانی یا جغرافیایی *-en*، *-ei*، *-ien* و *-stan* می‌پذیرند و یا جزء دوم آن‌ها از واژه *Land* تشکیل می‌شود (لوده، ۲۰۰۶: ۹۲). در این نوع از اشتقاق گاهی آخرین پسوند (*۳۰-الف* تا *۳۰-د*)، جزء دوم (*۳۰-ه*) و یا آخرین واج واژه مبنای (*۳۰-و*) حذف می‌شود. همچنین در مواردی الحاق بیناوند اشتقاقی ضروری به نظر می‌رسد؛ برای مثال بیناوند *-es* در (*۳۰-و* و

۱. هم‌وندها (Konfixe) تکواژی‌هایی هستند که همواره به صورت وابسته در واژه‌سازی حضور دارند؛ مانند *fanat* در واژه‌های *fanatisch*، *Fanatismus*، *Fanatiker* و *fanatisieren*. هم‌وندها به واژه‌ها، به وندها و نیز به یکدیگر وصل می‌شوند تا اسم، صفت و فعل بسازند. رفتار هم‌وندها مانند واژه‌ها نیست که آزادانه به کار می‌روند. گرچه هم‌وندها، مانند وندها همیشه وابسته‌اند، اما برخلاف آن‌ها، همانند واژه‌ها حاوی معنا هستند و نیز مبنای اشتقاق واقع می‌شوند؛ همچنین هم‌وندها با یکدیگر واژه جدید می‌سازند (*Geologie*، *Bibliothek*)، درحالی‌که وندهای واژه‌سازی با یکدیگر اتصال برقرار نمی‌کنند (دونالیس ۲۰۰۷: ۱۲). اتصال بیشتر هم‌وندها بی‌واسطه، اما گه‌گاهی نیز با واسطه است: هم‌وندهایی مانند *-therm* بی‌واسطه با عناصر دیگر اتصال برقرار می‌کنند. این هم‌وندها با وندهای واژه‌سازی مانند *-ismus* (*Chauvinismus*) بی‌واسطه وصل می‌شوند. اما بعضی از هم‌وندها مانند *-geo*، صرفاً به همراه سایر هم‌وندها مانند *-dog*، با یکدیگر هم‌وند مرکب *-geolog* را تشکیل می‌دهند و پس از آن، این هم‌وند مرکب با وندهای واژه‌سازی مانند *-e*، *-ie* و *-isch* وصل می‌شوند تا واژه‌هایی مانند *Geologie*، *Geologe* و *geologisch* را بسازند (همان‌جا: ۱۲-۱۳). بسیاری از هم‌وندها منحصراً در موضع آغازین واژه به کار می‌روند مانند *-bio*، *-ident* و *-fanat*. تعدادی از هم‌وندها منحصراً در موضع پایانی واژه به کار می‌روند مانند *-lekt* (*Soziolekt*). برخی دیگر مانند *-graph* در موضع آغازین (*graphisch*) و نیز پایانی (*Biograph*) واژه به کار می‌روند. به‌ندرت هم‌وندی در موضع پایانی واژه یافت می‌شود که به کمک آن مقوله دستوری، یعنی نوع و جنس دستوری واژه مشتق بازشناسی یا شناسایی نشود. با این حال معدودی مانند *-zid* نوع واژه را معین و مشخص نمی‌کند؛ زیرا علاوه بر اسم (*Herbizid*) صفت (*bakteriozid*) نیز می‌سازد. بیشتر هم‌وندها از زبان‌های یونانی، لاتین و فرانسه به عاریت گرفته شده‌اند. اخیراً هم‌وندهایی از زبان انگلیسی، مانند *-minator*، *Cyber-* یا *-napping* وارد زبان آلمانی شده‌اند. هم‌وندهای غیربومی واحدهای واژه‌سازی قرضی هستند. البته هم‌وندهای بومی نیز مانند *-stief* و *-schwieger* یافت می‌شود.

۲. اسم منسوب اسمی است که آن را به کسی (احمدی)، چیزی (قرآنی) یا جایی (تهرانی) نسبت می‌دهد.

۳۰-ز). همه این مشتقات، دارای حرف تعریف مذکرند، نشانه جمع *n* - می‌پذیرند و از الگوی صرف ضعیف *n* - پیروی می‌کنند.

اسم مشتق:	اسم خاص:
(۳۰-الف) اهل مغولستان	Mongolei → مغولستان
(۳۰-ب) سوئدی	Schweden → سوئد
(۳۰-ج) اهل کرواسی	Kroatien → کرواسی
(۳۰-د) اهل قزاقستان	Kasachstan → قزاقستان
(۳۰-ه) فنلاندی	Finnland → فنلاند
(۳۰-و) اهل کشور چین	China → چین
(۳۰-ز) اهل سنگال	Senegal → سنگال

البته در برخی از منابع، فرایند این گونه اشتقاق وارونه بیان می‌شود؛ یعنی مبنای اشتقاق اسم‌های اهالی و ساکنان و اسم مشتق ناشی از آن‌ها نام کشورها و مناطق است. (فلایشر/بارتس ۲۰۱۲: ۲۵۲-۲۵۳)

۳-۲- اسم‌های جامد مختوم به *e* - مبنای اشتقاق است

در واژه‌های مختوم به *e* - مانند *Hexe*، عنصر *e* - پسوند اشتقاقی نیست، بلکه جزء تکواژ پایه محسوب می‌شود؛ بنابراین این واژه‌ها اسم مشتق نیستند، بلکه جامدند.^۱ در این راستا، اصولاً ساخت اسم مذکر از اسم مؤنث فرایند معکوسی در زبان آلمانی است که به ندرت کاربرد دارد.^۲ این گونه فرایند معکوس در دو گروه دسته‌بندی می‌شود (همان‌جا: ۲۳۶ و ۲۳۹):

۱- در گروه اول، مبنای اشتقاق اسم جامدی است که جنسیت طبیعی و نیز جنس دستوری آن مؤنث است، ولی اسم مشتق از آن مذکر است. در این خصوص پسوند *-er* که صرفاً اسم مذکر می‌سازد و بیشتر به فعل‌ها می‌چسبد تا اسم فاعل را نام‌گذاری کند، به اسامی حیوانات نیز

۱. علاوه بر این، پرسشی که اغلب مطرح می‌شود، این است که شکل *e* - در واژه‌های مختوم به *e* - مانند *Katze*/ (گره)، *e/Kerze* (شمع) و *e/Wiese* (چمن‌زار) به تنهایی، به مثابه تکواژ تجزیه می‌شود یا هر یک از این واژه‌ها، در کل به مثابه یک تکواژ محسوب می‌شود. از آنجایی که در مقاله حاضر، پسوند اشتقاقی *e* - و مشتقات اسمی ناشی از آن را واکاوی می‌کنیم، پرسش مذکور بی‌ربط است؛ زیرا واژه‌های قاموسی مذکور اصولاً جامدند.

۲. در زبان آلمانی معمولاً پسوند *-in* برای نام‌گذاری اسم مؤنث از مبنای اشتقاقی اسم مذکر به کار می‌رود؛ مانند *Lehrerin*. به تعبیر دیگر، اشتقاق اسم مؤنث از اسم مذکر به کمک پسوند *-in* متداول است.

وصل می‌شود (۳۱-ج). در ضمن مصوت پایانی واژه مبنا /ə/ (<e>) در فرایند اشتقاق حذف می‌شود. پسوند *-erich* نقش پسوند *-er* را بر عهده می‌گیرد و در موردی مانند *Hexerich* به‌کار می‌رود.

اسم مشتق:	اسم جامد:
(۳۱-الف) مرد جادوگر	der Hexer → زن جادوگر die Hexe
(۳۱-ب) مرد بیوه	der Witwer → زن بیوه die Witwe
(۳۱-ج) بوقلمون نر	der Puter → بوقلمون ماده die Pute

۲- در گروه دوم، مبنای اشتقاق اسم جامدی است که جنسیت طبیعی آن، در وهله نخست بی‌اثر یا غیرفعال است، اما جنس دستوری آن، حرف تعریف مؤنث و اسم مشتق از آن مذکر است.^۱ در این خصوص پسوند *-erich* که اسم مذکر می‌سازد و از نام‌هایی مانند *Fried(e)rich* اقتباس شده است، منحصرأً به اسامی حیوانات وصل می‌شود. هرگاه واژه مبنای اشتقاق به مصوت /ə/ (<e>) ختم شود، در فرایند اشتقاق آن مصوت حذف می‌شود (۳۲-الف و ۳۲-ب). همه مشتقات مختوم به *-erich* نشانه جمع *-e* می‌پذیرند. گاهی پسوند *-er* نیز نقش پسوند *-erich* را بر عهده می‌گیرد و در مواردی مانند *Tauber* و *Ganser* به‌کار می‌رود.

اسم مشتق:	اسم جامد:
(۳۲-الف) اردک نر	der Enterich → اردک (ماده) die Ente
(۳۲-ب) کبوتر نر	der Täuberich → کبوتر/کفتر (ماده) die Taube
(۳۲-ج) غاز نر	der Gänserich → غاز (ماده) die Gans

علاوه براین، لازم به یادآوری است که پسوند *-erich* با مبنای صفت (۳۳-الف) و فعل (۳۳-ب) نیز اتصال برقرار می‌کند. (دونالیس، ۲۰۰۷: ۱۳۴)

اسم مشتق:	صفت/فعل:
(۳۳-الف) آدم ابله/کودن	der Dummerich → احمق، ابله dumm
(۳۳-ب) قلم پر برای غبارروبی	der Flatterich → به هم/پرپر زدن flattern

۱. این در حالی است که خنثی‌شدگی تقابلی مرد و زن در خصوص اسم‌های مختوم به *-in* هرگز متصور نیست، به‌خصوص آن‌گاه که ناظر بر اسامی مشاغل باشند.

۲-۳-۴- زوج‌های هم‌نام

گذشته از معدود اسم‌های اشخاص مؤنث که به پسوند *e* ختم می‌شوند مانند *Cousine* (*Cousin* →)، زوج‌های اسمی از یک ستاک واحد مختوم به *e* یافت می‌شود که *e* پسوند اشتقاقی نیست، بلکه به باور فلاشر/بارتس (۲۰۱۲: ۱۹۷) عنصر تصریفی تلقی می‌شود. هر زوجی دارای حرف تعریف‌های متفاوت و همچنین در مواردی دارای تفاوت معنایی جزئی هستند. از این جهت، این ساخت‌ها به سبب تفاوت جنس دستوری و نیز به سبب تفاوت معنایی گه‌گاه آشکاری، زوج‌های هم‌نام (*Homonym*) محسوب می‌شوند (همان‌جا). کلیه اسم‌های مختوم به *e* در ستون راست (۳۴) دارای حرف تعریف مؤنث هستند. کلیه اسم‌های ستون چپ حرف تعریف خنثی (۳۴-الف و ۳۴-ب) یا حرف تعریف مذکر می‌پذیرند (۳۴-ج و ۳۴-د).

اسم بدون <i>e</i> :-	اسم مختوم به <i>e</i> :-
Eck	Ecke (۳۴-الف) گوشه، زاویه ~ گوشه، زاویه
Rohr	Röhre (۳۴-ب) لوله؛ مجرا ~ لوله
Zweck	Zwecke (۳۴-ج) پونز ~ هدف
Muff	Muffe (۳۴-د) پوشش دستان بانوان ~ دست‌پوش بانوان

۲-۴- قید و ادات مبنای اشتقاق هستند

اسم‌های مجرد مختوم به *e* که مبنای اشتقاق آن‌ها قید یا ادات است، فقط در عبارات یا گروه‌واژه‌های حرف اضافه‌ای به کار می‌رود (۳۵). مبنای اشتقاق (۳۵-الف) قید و مبنای اشتقاق (۳۵-ب) ادات است. این مشتقات مختوم به *e* با تجانس آوایی همراه هستند.

قید/ادات:	اسم مشتق:
bald	in Bälde (۳۵-الف) به زودی، عن قریب → به زودی؛ زود
genug	zur Genüge (۳۵-ب) به قدر/اندازه کافی → کافی

۳- نتیجه‌گیری

پسوند *e* ریشه در *-t* زبان آلمانی باستان دارد و یکی از زیاترین پسوندهای بومی زبان آلمانی جدید محسوب می‌شود. همچنین مشتقات مختوم به این پسوند، از بیشترین فراوانی

نسبت به الگوهای معنای واژه‌سازی برخوردارند: ۱- اسم مصدر ۲- حاصل مصدر ۳- اسم مکان ۴- اسم ابزار ۵- اسم فاعل ۶- اسم کیفیت ۷- اسم تبدیل یا اسم صفت (شیء یا شخص) ۸- اسم شخص یا اسم منسوب. اشتقاق با پسوند *e*- از جمله فاقد الگوی معنای واژه‌سازی اسم جمع است.

فقط آن‌دسته از مشتقات مختوم به *e*- که دارای معنای واژه‌سازی اسم فاعل، اسم اشخاص و یا اسم منسوب‌اند، حرف تعریف مذکر می‌پذیرند. سایر مشتقات مختوم به *e*- دارای حرف تعریف مؤنث هستند. تمام اسم‌های مشتق مختوم به *e*- که دارای حرف تعریف مذکرند، از فعل یا اسم مشتق می‌شوند و همواره از صرف ضعیف اسم پیروی می‌کنند. واژه‌های مختوم به *e*- که دارای حرف تعریف مذکرند و از فعل مشتق می‌شوند، فقط اسم فاعل را نامگذاری می‌کنند. اما واژه‌های مختوم به *e*- که دارای حرف تعریف مذکرند و از اسم مشتق می‌شوند، علاوه بر اسم شخص، اسم منسوب را نیز نام‌گذاری می‌کنند.

پسوند *e*- به مبنای فعلی، صفتی، اسمی و یا قیدی وصل می‌شود. اسم‌های مجرد مختوم به *e*- که مبنای اشتقاق آن‌ها قید یا ادات است، بسیار نادرند و تنها در عبارات حرف اضافه‌ای به‌کار می‌روند.

الگوهای معنای واژه‌سازی آن‌دسته از اسم‌های مختوم به *e*- که از مبنای فعلی مشتق شده باشند، چنین تبیین می‌شوند: ۱- مشتقات اسم مصدر، حاصل مصدر یا اسم شیء، اسم ابزار و اسم مکان کمابیش رایج است. در این راستا، اخیراً واژه‌سازی‌های محاوره و عامیانه و نیز واژه‌هایی با معنای ضمنی ناپسند متداول شده است. ۲- زایایی مشتقات اسم فاعل بسیار محدود است. ۳- ساخت اسم کیفیت، اسم شخص و اسم تبدیل (اسم صفت) ناممکن است.

الگوهای معنای واژه‌سازی مشتقات مختوم به *e*- که مبنای آن‌ها صفت باشد، چنین تبیین می‌شوند: ۱- مشتقات اسم کیفیت بسیار متداول است. ۲- کاربرد معنای حاصل مصدر یا اسم شیء نسبتاً متداول است. ۳- هرگونه دستیابی به سایر الگوهای معنای واژه‌سازی ناممکن است.

الگوهای معنای واژه‌سازی آن‌دسته از اسم‌های مختوم به *e*- که از مبنای اسمی مشتق شده باشند، چنین تبیین می‌شوند: ۱- مشتقات اسم شخص یا اسم منسوب نسبتاً متداول است. ۲- هرگونه دستیابی به سایر الگوهای معنای واژه‌سازی ناممکن است.

در نهایت، اشتقاق از رهگذر فعل، صفت و نیز اسم بر اشتقاق از رهگذر قید و ادات، از بسامد بیشتری برخوردار است.

۴- منابع

- Coseriu, Eugenio (1970). *Einführung in die strukturelle Betrachtung des Wortschatzes*. Tübingen.
- Donalies, Elke (2002). *Die Wortbildung des Deutschen: Ein Überblick*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Donalies, Elke (2007). *Basiswissen Deutsche Wortbildung*. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag.
- Eichinger, Ludwig M. (2000). *Wortbildung: Eine Einführung*. Tübingen: Narr.
- Fleischer, Wolfgang & Irmhild Barz (2012). *Wortbildung der deutschen Gegenwartssprache*, 4. Auflage, Tübingen: Niemeyer/De Gruyter.
- Glück, Helmut (ed.) (2000). *Metzler-Lexikon Sprache*. Stuttgart: Verlag J. B. Metzler.
- Heringer, Hans Jürgen (2009). *Morphologie*. Paderborn: Wilhelm Fink.
- Kluge, Friedrich (1999). *Etymologisches Wörterbuch der deutschen Sprache*. Berlin & New York: de Gruyter.
- Lohde, Michael (2006). *Wortbildung des modernen Deutschen: Ein Lehr- und Übungsbuch*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Römer, Christine (2006). *Morphologie der deutschen Sprache*. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag.